



سال ششم، شماره ۱۳، بهمن ماه ۱۳۹۹



گاهنامه اجتماعی و فرهنگی ردپای جاوید

ردپای جاوید

ویژه نامه دهه فجر و گرامیداشت مقام زن

آنچه در این شماره خواهید خواند:

سخن سردبیر

از انقلاب اسلامی تا جمهوری اسلامی

تقدیم به همه مادران سرزمینم

میم مثل مادر

برگی از تاریخ (روزهای انقلاب در استان مرکزی)

کنگره ملی ۱۷۰۰۰ زن شهیده، جانباز و آزاده در استان مرکزی

خردسال ترین شهیده استان مرکزی

زندگی نامه شهیده زهرا قضایی

صاحب امتیاز کانون ایثار دانشگاه اراک (وابسته به دفتر ستاد شاهد و ایثارگران)



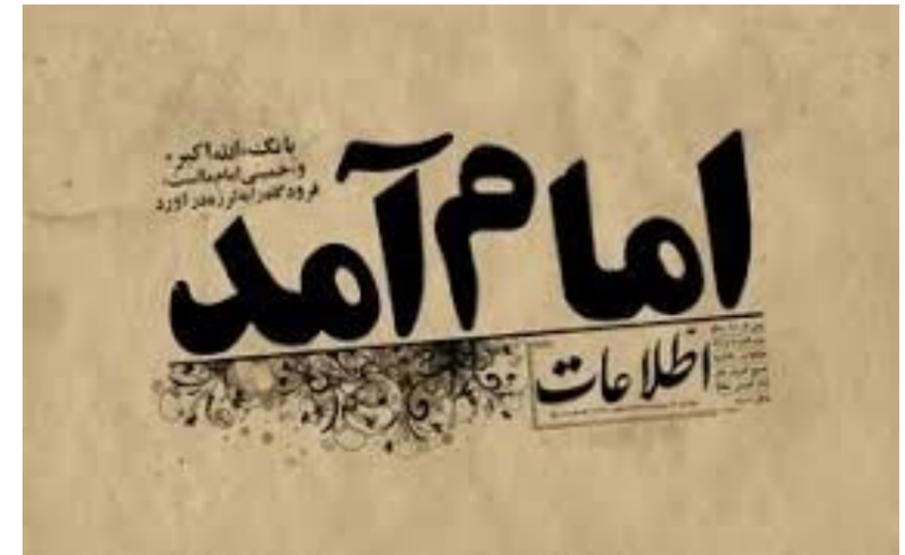
از انقلاب اسلامی تا جمهوری اسلامی



انقلاب ۵۷ تنها یک رویداد سیاسی نبود بلکه سر فصل جدیدی برای مردم ایران در تاریخ اسلامی رقم زد. دهه فجر، یادآور پایان ستمگری طاغوت، آغاز حاکمیت دین در زندگی مردم و شکل‌گیری مدنیته به نام دین و نظامی تحت زعامت ولی فقیه به عنوان نایب امام زمان (عج) است. انقلاب اسلامی با مفاهیمی بلندی که به

دستان مبارک معمار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) تولید شده بود به وقوع پیوست و آرمان‌هایی بلند را برای آینده مردم ایران اسلامی مشخص نمود. اما باید توجه داشت از انقلاب اسلامی تا جمهوری اسلامی فاصله بسیار است. این یک حقیقت است که اگر ما به همان آرمان‌های انقلاب به صورت شعارگونه اکتفاء کنیم و آن را به صورت کاربردی در لایه‌های مختلف حاکمیت و جامعه رسوخ ندهیم و نسخه‌های عملیاتی بر مبنای آن تولید نشود، به مرور در اصل آن آرمان‌ها نیز انحراف خواهد افتاد و جامعه از آن دور و به فراموشی سپرده خواهد شد. توصیه‌ی رهبر معظم انقلاب به دانشجویان که در خط مقدم حفاظت از انقلاب و آرمان‌های نجات‌بخش آن هستند این است که باید در مسیر حفظ انقلاب کوشا باشند آنجا که خطاب به دانشجویان بیان می‌فرمایند: «عزیزان من! ارتباط با انقلاب را هرچه بیشتر باید مستحکم کرد. ما ملت ایران، در محیط بین‌المللی، شأن و جایگاه و هویت خودمان را گم کرده بودیم. انقلاب این هویت و جایگاه و شأن را به ملت ایران برگرداند.» این امر یعنی مطالبه رهبر معظم انقلاب از نخبگان، نویسندگان، هنرمندان و اهل فکر و اندیشه بر تبیین آرمان انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از اندیشه‌های امام خمینی(ره) و در نهایت تبیین آرمان انقلاب اسلامی است.

حاکمیت معنویات و قیام بر اصلاح امور امت، کار خستگی ناپذیر را به قصد رضای خداوند می‌خواهد که باید در زمره خصایص اصلی پیروان انقلاب و مسئولان انقلابی قرار گیرد. امروز، اگر چه مشکلات عدیده‌ای از سوی دشمنان بر ایران اسلامی تحمیل می‌شود که نمونه بارز آن را می‌توان در تحریم‌های غیرقانونی و غیرانسانی آمریکا علیه کشورمان دید، اما واقعیت این است که به نظر می‌رسد عدم پایبندی جدی به آرمان‌های انقلاب، عامل بسیاری از نابسامانی‌ها و مشکلات است و با اتکا به ارزش‌های انقلاب اسلامی و حرکت در مسیر آرمان‌های آن می‌توان بر مشکلات غلبه کرد. اینک که در آستانه سالروز جشن پیروزی انقلاب هستیم بر روح بلند معمار کبیر انقلاب اسلامی درود می‌فرستیم و با یادآوری آرمان‌های بلند امام(ره)، عهد و پیمان خود را با آرمان‌های امام(ره) و رهبر معظم انقلاب تجدید کرده و پیمان می‌بندیم که همچنان پایبند اصول نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و انقلاب خواهیم ماند؛ که این اصول ضامن تداوم پیروزی ملت ایران است.



مدیر مسئول : مینا کریمی سردبیر و صفحه آرا : مینا شکرپیگی

شما می‌توانید انتقادات و پیشنهادات خود را در مورد محتوای نشریه از طریق ارتباط با دفتر ایثارگران دانشگاه اراک با ما در میان بگذارید.

سخن سردبیر

وقتی صدای پای بهمن از کوچه پس کوچه‌های خاطره‌ها به گوش تو می‌رسد. گویی شهیدانند که آمده‌اند برای بیعت دوباره برای هشدار و تذکر و بیداری. بهمن که از راه می‌رسد شهیدان پیمان نامه‌ی خونین شهادت را برای تجدید امضای تک تک ما می‌آورند تا فراموش نکنیم که باغبان لاله‌ها امام مهربان بود و سایبان لحظه‌ها، نگاهش هنوز هم نگران باغمان است. هر بهمن امام است که دوباره بر بال ملائک به دیدارمان می‌آید و کوچه‌های باغمان را پر از نسترن و نیلوفر می‌نماید. گام‌های همه جا یاس می‌کارد و گل محمدی به خانه‌ها هدیه می‌کند.

فرا رسیدن ایام الله دهه فجر و سالروز گرامی داشتن مقام والای زن بر همگان خجسته باد.

تقدیم به همه مادران



مادر ای درخشنده ترین آفتاب هستی بخش! بتاب که خورشید و ماه منتظرند تا از انوار طلائی ات روشنایی گیرند و پیام هستی بخش تو را در گوش همه ذرات عالم زمزمه کنند: هان! مادر ریشه درخت حیات است زنهار که تیشه بر این ریشه روا دارید که این ضربه نه به شخص بلکه به اجتماع است. یعنی مادر اساس اجتماع است و بی او اجتماع جسمی بی روح است. حال که چنین است، پس ای آفتاب! بتاب که خلائق منتظرند تا با تو به خود آیند و خود را باز یابند و در این بازیافت، سر دلدادگی به تو فاش می شود.

مادر ای ستاره پرفروغ آسمان بی افق عشق! بتاب که بی تو قصه عشق ناتمام می ماند و عاشقان سرگردان. بتاب تا از تابش نورت، جاده های آسمانی عشق فتح گردد و خانه معشوق پیدا. بتاب که بی تابشت، شب های شوم غربت و تنهایی، آدمیان را در هاله ای از تاریکی و ظلمات به اسارت می کشد.

مادر ای آرام بخش ترین نسیم پگاه زندگی! بسوز که ریحانه های سبز حیات لباس زرد مرگ می پوشند و طوفان های وحشتناک پاییزی بر گل ها حاکم می شوند. بوز که گل ها جز با شمیم نفس عطراگین تو معطر نمی شوند. بوز که هیچ نسیمی نمی تواند لطیف تر از نسیم خوش بوی وجودت، برگ های ظریف گل ها را نوازشی دهد و تو گویی که گل ها نیز بی حضور نسیمت، جوانه نمی زنند و غنچه نمی شوند.

مادر ای موج خروشان دریای بی کران عاطفه! کدام ساحل است که بتواند بر عاطفه بی منتهای تو محیط شود؟ کدام دریاست که با خروش موج عاطفه ات، متلاطم نشود؟ مگر نه این است که دریا دریاست چون ماه رخسار تو بر آبهایش می خندد؟ مگر نه این است که دریا دیدنی است چون احساس پر صفای تو در فضایش می رقصد؟ برآستی که دریایی که تسلیم جذر و مد ماه وجودت نشود، دریا نیست، شور آبی بی ارزش است که نه تنها تشنگان را یارای سیراب کردن ندارد بلکه سیران را نیز هر روز تشنه تر می کند و به هلاکت نزدیکتر.

مادر ای زیباترین تابلوی هستی! به راستی کدام نقاش توانسته است زیباتر از تابلوی تو را ترسیم کند؟ تابلویی که هم منشور عشق باشد و هم آینه تمام نمای احساس و عاطفه. هم تصویری از خطرات باشد و هم تمثالی از محبت آه. مادر، چه آرام بخشی! قلبت مخزن رحمت است و نگاهت مخزن الفت. یادت تجدیدکننده خاطرات است و نامت زینت بخش کلام. به راستی که مادر. تو هدیه ای آسمانی هستی، که باید همه پاسدار تو باشند.

مادر دوستت دارم و به تو عشق می ورزم آن گونه که به من عشق می ورزی. هم آنگاه که سرود لالائی ات خواب خوش و آرام را به من هدیه می کند و هم آنگاه که، قطرات اشکت همراه ترانه غم انگیز فراق بدرقه ام می کند. کیست که وقتی در آغوش گرم مادرش سرنهد، طمانینه بی وصف خویش را از درون دلش احساس نکند؟ کیست که از خوان محبت مادر سیر نخورده باشد؟ کیست که نام تو را در قاموس قلبش نوشته باشد؟ کیست که یاد تو را از صفحه خاطراتش پاک کرده باشد؟

مادر تو همیشه در قلب هایی و قلب ها همیشه در تپشند. پس تو همیشه جاودانی. تو یک تاریخی که خود مورخ آنی. تو زنده ای چون تاریخ زنده است. تو یادگار حوا و مریم و زهرا و زینبی. پس تو جاویدی چون زهرا جاویدان تاریخ است. آری مادر! نام پرعطوفت تو همواره بر صدر اوراق تاریخ خواهد درخشید و یاد پر طراوتت همیشه در اذهان تداعی خواهد کرد.

مادر ای معلم ایثار و ای کوه صبورا! می ستایم ایثار بی همتا و صبر کم نظیرت را. تصدیق می کنم مقام والای تو را. به حق که تو زیننده وعده راستین «الجنة تحت اقدام الامهات» هستی. تو سزاوار اکرام و احسانی. تو شایسته تقدیر و تحسینی. و جلوه ای از احسن الخالقین. مادر! مهر و صفایت، ناز و قهرت، گریه و خنده ات، همه چیزت را دوست دارم و می ستایم.

مادر ای غنچه ترین گل گلستان محبت! همیشه غنچه بادت. چرا که بی وجودت غنچه ها پرپر می شوند و گل ها بی بو. گلستان بی بهار می شود و باغبان تنها. بهار برای همیشه می رود و خزان می آید. خزانی که به جوانه های تازه سرزده و لاله تازه دمیده هیچ رحمی نمی کند. نه! مادر، تو برای همیشه می مانی و من لحظه ای بی تو را تصور نمی کنم. «مادر! فرزندت، به فدایت»

میم مثل مادر



بغضش می گیرد ، آرام آرام اشک چشمانش را با چادرش پاک می کند و از حکایت مادر و فرزندش می گوید. تنها بر سر مزار فرزند شهیدش نشسته است و چشمانش را به عکس فرزندش دوخته است. نه اشکی از چشمانش جاری می شود نه بغضی دارد؛ تنها به عکسی نگاه می کند و در فکر فرو رفته است ؛ شاید خاطراتی را از ذهنش می گذراند و یا... در مزار شهدا بودم که مادرانی را دیدم که بر سر مزار عزیزان خود بودند، پاره تنشان ، کسانی که افتخار این مرز و بوم هستند. تعدادی از این مادران دو، سه و برخی نیز یکی از فرزندانشان را فدای انقلاب و اسلام کرده اند و استقامتی که آنان دارند انسان را به حیرت فرو می برد.

مادری را دیدم که تنها نشسته است و به فکر فرو رفته است. به نزدش رفتم مادر می گوید: ۲۵ سال است که هر روز با خاطرات فرزندش سر می کند. ۲۵ سال است که شهید شده است و من نیز همیشه به او سر می زنم و بر سرمزارش حاضر می شوم. به غیر از این شهید سه فرزند دیگر نیز دارم و راضی ام به رضای خدا، خودش آفریده بود و خودش نیز از ما گرفت؛ خداوند همه شهدا را رحمت کند. اما حکایت برخی از این مادران کمی غریب تر است. هیچ کس حال مادران شهدای گمنام را نمی فهمد، مادر هر شب را به فکر فرزندش بی خواب بیدار می ماند تا شاید صبح خبری از فرزندش برسد، برای این مادران همه اتفاق های خوب دنیا برای این این مادران غمگین است، اصلاً اتفاق خوبی برای مادر نیست، داغی که بر دلش نشسته هیچ وقت از بین نخواهد رفت. حکایت فراق و بی خبری مادران شهدا، روایت، روایت نانوشته و ناخوانده ای است، وقتی بیش از ۳۰ سال چشم انتظار باشی و هر بار با آمدن یک شهید فکر کنی فرزندت توست و فرزندت نباشد، سالها گوش به زنگ خبری از آمدن پیکر فرزند خود باشی و زنگ خانه صدا نکند، مادر باشی و خودت را قانع کنی برای دیدار فرزندت، حتی تکه ای از پیکر او. زمانی که فرزندش را راهی جبهه می کرد، مادر با آرزوی شهادت، فرزندش را راهی کرد، اما فکر نمی کرد، این آخرین دیدار او با دلبندهش باشد. آری، انتظار واژه غریبی است، انتظاری از جنس مادر شهید که سالهای سال هر روز صبح کوچه های خاکی را آب و جارو می کند، خانه را مرتب نگه می دارد، غذای مورد علاقه فرزندانش را درست می کند و چشم به راه می دوزد تا عزیز سفر کرده اش برگردد، قلبش در تپش دیدار است، دیداری که کسی از زمان آن خبر ندارد. چه روزهای سختی است، این روزها، چشم انتظاری چه سخت است، انگار همه اتفاق های دنیا با فرزند شهید مادر مرتبط است، هر نوزادی که متولد می شود، مادر با همان تسبیحش که روزی برای سلامتی فرزندش دعا می کرد، حساب می کند که اگر الان پسرش زنده بود، فرزندش چند ساله بود، مادر تنها یک پسر داشت که او هم به جبهه رفت، حالا مادر تنهای تنها شده است. هر سال عید که می رسد، مادر سبزه سفره هفت سین را یک هفته قبل از عید می خرد تا شاید سال بعد به یمن آن، خبری از فرزندش برسد، هر سال قاب عکس فرزندش را نو می کند و در کنار سفره هفت سین می گذارد به یاد پسرش، اما امسال هم خبری از فرزند دلبندهش نشد. هر بار که خبر از تفحص شهدا به گوشش می رسد، با ذوق و شوق فراوان به استقبال آنها می رود، شاید در این میان خبری از یوسف گمگشته اش باشد، مادر آنقدر در انتظار شهید خود اشک ریخته که چشم هایش سویی ندارد، گویا یوسف مادر، قصد برگشتن ندارد، حالا پس از گذشت سالها از پایان جنگ، اشک های مادر شهدا است که جگر شهدا را می سوزاند و داغ دل آنها را زنده می کند.

برگی از تاریخ (روزهای انقلاب در استان مرکزی)



این روزها، روزهایی ماندگار و فراموش ناشدنی در تاریخ ملت بزرگ ماست، انقلابی که رساترین فریاد تاریخ است. انقلابی که مبتنی بر بینش عمیق توحیدی و الهام گرفته از انقلاب سرخ عاشورای حسینی بود، که در آن عده ای قلیل، با اعتقادی وسیع و راسخ، نیروهای کفر و باطل را شکست دادند و چشم قدرتمندان را خیره ساختند. با پای گذاردن در دایره معنویت و ایثار و شهادت بود که فرزندگان خاک، از این سرزمین پاک، به سوی افلاک، پر گشودند و تا نهایت تاریخ جاودانه شدند. دهه فجر، فرصت بازنگری در ارزش ها و آرمان هاست؛ و این که چه بودیم و چه می کردیم و چه می خواستیم، و اکنون کجاییم و چه می کنیم. کمترین ثمره این انقلاب، گشودن فصلی نو در تاریخ معاصر است و این کم چیزی نیست. آیا احساس سربلندی نمی کنید که آیین و مکتب شما، یعنی اسلام حیات بخش، امروز در دل میلیون ها انسان ناامید و سرخورده بارقه امید آفریده و آنان به نجات خویش در پناه اسلام، امیدوار و دلخوش اند. وقتی که امام آمد، ستم رفت، شاه رفت و پلیدی و تباهی و سیاهی رخت برپست. وقتی که امام آمد، لاله ها سر از خاک برآوردند و فرشی برای گام های پرصلابت او شدند. وقتی که امام آمد، باغچه ها گل داد، دل ها شادمان شد و امت جشن برپا کردند. وقتی که امام آمد، عشق و ایمان را به ما هدیه کرد و ایثار را به ما آموخت. وقتی که امام آمد، آزادی به خانه ها برگشت، ما استقلال خویش را باز یافتیم و جمهوری اسلامی با دست مبارک او بنیاد نهاده شد. وقتی که امام آمد، تمامی امیدها و خوبی ها را با خود به ارمغان آورد. پس مبدا «راه امام» را گم، و «کلام امام» را فراموش کنیم. همه مان بدانیم که اگر امروز، فجری داریم، از فروغ آن خورشید فجر آفرین است.





کنگره ملی ۱۷۰۰۰ زن شهیده، جانباز و آزاده در استان مرکزی

کنگره ملی زنان شهید، جانباز و آزاده استان مرکزی در روز چهارشنبه مورخ ۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۹ مصادف با ولادت با سعادت دخت نبی اکرم ص حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها برگزار می گردد. استان مرکزی در دوران دفاع مقدس و دوران مبارزه برای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ۹۵ زن شهید تقدیم انقلاب کرده است. نامشان جاویدان و یادشان گرامی باد.

خردسال ترین شهیده استان مرکزی

شهیده لیلا باقری: سال ۱۳۶۴، در شهرستان تهران به دنیا آمد. پدرش ید الله، کارگر بود و مادرش اشرف نام داشت. بیست و ششم دی ۱۳۶۵، در بمباران هوایی اراک بر اثر اصابت ترکش به شهادت رسید. مزار او در گلزار شهدای همان شهرستان واقع است.



مسابقه «لشکر فرشتگان تاریخ ساز»
مهلت شرکت در مسابقه تا ۲۲ بهمن ۱۳۹۹
به برگزیدگان به رسم یادبود جوایز نقدی اهدا خواهد شد
نحوه شرکت در مسابقه
markazi.navideshahed.com



زندگی نامه شهیده زهرا قضایی (تنها زن شهیده دانشجوی دانشگاه اراک)

چهاردهم فروردین ماه ۱۳۳۹ هنگامی که اذان ظهر فضای شهر را پر کرده بود، در شهر قم دختری چشم به جهان گشود. پدر بزرگوارش کریم، او را زهرا نامید و گوش این فرزند نو رسیده در بدو تولد با آوای مطهر اذان و قرآن آشنا شد. با طی دوران کودکی و رشد و پرورش در شهر مقدس قم، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را با موفقیت به پایان برد و پس از اتمام دوره راهنمایی وارد دبیرستان شد. با توجه به اینکه در دوره دبیرستان دانش آموزی نمونه بود جهت ادامه تحصیل به دانشسرای مقدماتی دختران رفت چرا که در آن زمان فارغ التحصیلان دختر دانشسرا از خدمت سربازی معاف بودند. زهرا پس از گذشت دو سال به شغل مقدس معلمی روی آورد. همزمان با اوج گیری انقلاب اسلامی و مخالفت مردم، با سربازی اجباری دختران، زهرا دیپلم خود را در کلاس های شبانه دریافت کرد. در سال ۱۳۵۷ با شرکت در کنکور سراسری در مدرسه عالی اراک پذیرفته شد و تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی در آنجا آغاز کرد. پس از گذشت یک ترم از شروع تحصیلات، انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام (ره) شکل واقعی به خود گرفته و دانشجویان متعهد با اعتصاب خود دانشگاه ها را به تعطیلی کشاندند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران مجدد دانشگاه ها بازگشایی می شود. پس از این وقایع، زهرا در مدرسه ای که خود در آنجا درس خوانده بود شروع به تدریس نمود و با معلمان دوران تحصیل خود به تربیت دانش آموزان می پردازد.

زهرا در سال ۱۳۶۴ با معدل ۳/۱۹ فارغ التحصیل زبان و ادبیات فارسی شد. در طول جنگ تحمیلی و آغاز جنگ شهرها، قم نیز مورد حملات موشکی رژیم بعثی قرار گرفت. خواهر زهرا قضایی در غروب خونین عاشورای ۱۳۶۵/۱/۱۱ در حالی که از شرکت در مراسم بزرگداشت شهید حاج علی بیطرفان (مسئول آموزش و پرورش شهرستان قم) بازمی گشت، بر اثر حملات رژیم بعثی به همراه بیش از ۱۲۰ نفر از مردم غیرنظامی به شهادت رسید. پیکر مطهر او طی مراسم باشکوهی در امامزاده ابراهیم قم در جوار شهدای جنگ تحمیلی به خاک سپرده شد. در بین این ۱۲۰ تن، بیست نفر دانش آموز راهنمایی نیز بودند که از مراسم سرود به مناسبت دهه فجر برمی گشتند؛ و. و این سرود را باهم زمزمه می کردند.

یادداشتی از شهیده زهرا قضایی

برادر و خواهر! اگر دقت کنی، می یابی که ما مستضعفان در هر کجا بودیم سرگذشت و تاریخ و فرهنگ و حیات و مشکلات مشابهی داشتیم. در سخت ترین شرایط زنده ماندیم و با وحشتناک ترین دشمنان جنگیدیم؛ اما از هم دور بودیم و انسجام و وحدت را از یاد برده بودیم. تا زمانی که هماهنگ و همسو نباشیم سختی ها و مشکلات وجود خواهد داشت. آینده ای چون گذشته نباید داشته باشیم. تجربه موفق و پیروز اتحاد، یکرنگی و صمیمیت را در ایران پیش رو داریم. فراتر از آن انسجام و وحدت مسلمانان صدر اسلام را هنوز از یاد نبرده ایم. پس کجاست دست های مشتاق و بی قراری که قرن ها در آتش تفرقه سوخته است و اتحاد و یکرنگی و انسجام و رهایی را آرزومی کند؟ یکبار دیگر تاریخ را به شهادت می گیریم و پیمان وحدت سر می دهیم و اتحادمان را علیه جبهه پراکنده استکبار تجربه می کنیم که پیروزیم. ان شاء الله